

نامه‌ی خصوصی دکتر مصدق به قوام السلطنه

□ یازدهم مرداد ماه ۱۳۲۴

قربانت شوم؛ جناب آقای صلاحی صلاح‌الملک پیغام حضرت‌عالی را ابلاغ نمودند. انتشار مذاکرات خصوصی بنده در جرائد حاکی است که انتشاردهنده در بیانات بنده تحریفاتی نموده و چون روابط گوینده را با بنده همه می‌دانند، احتیاج به تکذیب نیست. نسبت به حضرت‌عالی با تنگی وقت و اصراری که سوال‌کننده داشت، خدا گواه است نظرم نیست چه گفته‌ام ولی یقین دارم بیش از این که حضرت‌عالی شخص فعالی هستید و ممکن است یک وقت کار خوب بکنید و یک وقت کار بد، چیزی نگفته‌ام. در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۳۲۴ مرداد

قربانت شوم
جناب آقای صلاحی
پیغام حضرت‌عالی را ابلاغ نمودند
در بیانات بنده تحریفاتی
نموده و چون روابط گوینده را با بنده
همه می‌دانند، احتیاج به تکذیب نیست
نسبت به حضرت‌عالی با تنگی وقت و اصراری
که سوال‌کننده داشت، خدا گواه است
نظرم نیست چه گفته‌ام ولی یقین دارم
بیش از این که حضرت‌عالی شخص فعالی
استید و ممکن است یک وقت کار خوب
بکنید و یک وقت کار بد، چیزی نگفته‌ام
در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت
عالی را خواهانم
دکتر محمد مصدق

اخوانیات خالصاً یک ساخت ادبی دارد، آن چه انگیزه‌ی اولیه‌اش یک دوستی پایدار، مرحله به مرحله پیشرفته و در نهایت توسعه یافته است. در مقابل آن چه در این اخوانیات کم‌ترین درجه اهمیت را دارد ابلاغ اطلاعات خاص یا بحث راجع به مضمونی دولتی و حکومتی بوده است. به بیان دیگر آن چه بیش‌ترین مضامین این نامه‌ها را می‌ساخت حوادث و وقایع زندگی حقیقی و روزمره افراد و وابستگان بود. (اتفاقاتی از قبیل تولد، ازدواج، بیماری و احیاناً مرگ) و جز این مطالب عموماً چیز دیگر نداشتند.

این خود واقعه یا اطلاع بدان نبود که در مرکز نامه‌ی خصوصی قرار داشت، بلکه آن چه مهم بود عامل دوستی و شفقت و ناشی از اطلاع ادبی نویسنده بود. سپس در حاشیه‌ی محقق ما توضیح می‌دهند: نمونه‌هایی از این مراسلات در کتبی چند به عنوان سرمشق و تحت عنوان رسایل گرد آمده‌اند. از آن جمله می‌توان اشاره به کتاب نویسنده‌ی مصری الحمادی نمود با عنوان **تسهیل السبیل الی تعلیم الترسل**. راقم این سطور از خود می‌افزاید که در فارسی نیز چنین کتب کم نبوده و علاوه بر مجموعه نامه‌های بزرگان علم و ادب و سیاست، مثل **مکتوبات و منشآت قائم مقام فراهانی** یا **درعهدقدیم کتاب بهاءالدین بغدادی** را داریم با عنوان **التوسل الی الترسل**.

به هر حال آن چه در این بین از نظر محقق فاضل درجه اول اهمیت را داراست این که بدانیم نامه‌های ادبی خصوصی تا چه حد می‌توانند به عنوان اسناد واقعی تاریخی محسوب و احیاناً به کار تاریخ‌نویس آیند. در پایان این مبحث و به عنوان یک قاعده در نوشتن و نامه‌نگاری مؤلف ما نقل قولی از محقق عرب ذنبی در پیرامون انشاء یا مرسله‌ی ادبی دارد که گفته است: «... بهترین منشی (کاتب یا مترسل) کسی است که محصول ذهنش (معناه) برای خواننده یا شنونده در نهایت روشنی باشد. به طوری که وقتی که خواننده می‌خواند یا شنونده بدان گوش می‌دهد بلافاصله بفهمد که مضمون نوشته یا گفته چیست. و این در حالی است که برعکس بهترین شعر آن شعری است که خواننده و شنونده به راحتی معنی آن را در نیافته و برایش ایجاد ابهام کند و بدین ترتیب توجه او را برای درک معنی مدتی به خود مشغول دارد. بای ادآوری این که نثر غالباً به همه‌گونه افراد، فرهیخته یا خالی‌الذهن، اطلاق می‌شود، و لذا هرچه آسان‌تر باشد باعث بیش‌تر فهمیدن و در نتیجه بیش‌تر لذت‌بردن مخاطب می‌گردد. و حال آن که شعر چنین نبوده و غالباً خطاب به افراد فرهیخته است. ■